انترناسیونال 756

چراعفرین سقوط کرد و پیامدهای آن چگونه خواهد بود؟

گفتگوی خلیل کیوان با محمد آسنگران

**خلیل کیوان:** عفرین علیرغم مقاومتی سخت در برابر هجوم نیروهای ترکیه و جریانات اسلامی متحد آن در سوریه تاب نیاورد و اشغال شد. همان مردم و همان نیروهایی که در کوبانی قهرمانی کردند و پوزه داعش را بخاک مالیدند اینبار به عقب رانده شدند. علت آن چه بود؟

**محمد آسنگران**: نیروی مدافع عفرین علیرغم جنگ قهرمانانه 58 روزه در مقابل دومین ارتش ناتو و چندین جریان اسلامی تروریست بلاخره ناچار به عقب نشینی شدند. واقعیت این است که این جنگ تحمیلی به مردم عفرین و نیروهای مدافع آن، جنگی بسیار نابرابر بود. از نظر تعداد نفرات و تجهیزات نظامی و امکانات، دو طرف قابل مقایسه نبودند. ارتش ترکیه به دستور اردوغان فاشیست و بیرحم به انواع سلاحهای نظامی و توپخانه و هواپیماهای جنگی مجهز بود و بدون ملاحظه مردم این منطقه را هدف قرار دادند. نیروی مقابل آنها یعنی ی.پ.گ علیرغم تعداد بسیار کمترشان نسبت به تعداد نفرات دشمن، تنها سلاحهای سبک و نیمه سنگین را در اختیار داشتند. علاوه بر این، دولتهای منطقه و دولت اسد و قدرتهای جهانی مانند آمریکا و روسیه هم چراغ سبز به اردوغان و ارتش خونریزش دادند و به این ترتیب مردم را قتل عام کردند. صحنه های دلخراشی که از شهر عفرین و اطراف آن منتشر شده است حاکی از این است که نیروهای بازمانده از داعش و جبهه النصره و احرارالشام و .... تحت عنوان ارتش آزاد این بار با حمایت ارتش ترکیه انتقام کوبانی را از عفرین گرفتند. اما این نبرد سخت و نابرابر نه پایان یک بحران، بلکه آغاز بحران تازه ای است که سوریه و حتی منطقه را وارد دوره دیگری از تخاصمات کرده است که پیچیده تر از قبل خواهد بود.

جنگ کوبانی و عفرین هر دو جنگی نابرابر و سخت بودند. در کوبانی بدون حمایت نیروی هوایی آمریکا و موتلفین علیه داعش، نیروی ی.پ.گ نمیتوانست موفق بشود وکوبانی را آزاد کند. بدون کمک نیروی هوایی آمریکا سقوط کوبانی هم حتمی بود. توهمات و فانتزیهایی که در مورد جنگ توده ای و... در کوبانی منتشر شد را نباید جدی گرفت. ما دیدیم که نیروی ی.پ.گ در جنگ عفرین حتی مجهز تر و باتجربه تر از جنگ کوبانی بود. اما در جنگ عفرین نتوانست این منطقه را از سقوط نجاد بدهد. بنابراین، دلیل سقوط عفرین نیروی نابرابر در جنگ بود. علاوه بر فاکتور نیرو و تسلیحات نابرابر، معاملات پشت پرده قدرتهای جهانی و منطقه ای که عفرین را فروختند، مزید بر علت بود.

**خلیل کیوان:** ترکیه چه اهدافی را از حمله به عفرین دنبال می کند؟

**محمد آسنگران:** ترکیه بطور مشخص سه هدف از این عملیات دنبال میکرد. یکی تضعیف متحدین پ.ک.ک در کردستان سوریه که تضعیف خود پ.ک.ک محسوب میشود. دوم ممانعت از اجرایی شدن استراتژی آمریکا که اردوغان بارها گفته بود اجازه نمیدهد شمال سوریه به دریای آزاد وصل بشود. سوم اینکه در بحران سوریه همه دولتهای درگیر مانند روسیه و آمریکا و جمهوری اسلامی هر کدام سهمی را عاید خود کرده اند و ترکیه هم میخواست سهمی در سوریه داشته باشد.

**خلیل کیوان:** آیا اردوغان قصد ادامه حمله و پیشروی بیشتر در عمق خاک سوریه را دارد؟

**محمد آسنگران:** تصور من این است که ترکیه تلاش میکند کل حکومت منطقه ای حزب پ.ی.د و ی.پ.گ. را از بین ببرد. اما اگر موفق به این کار بشود به این معنی است که ابتدا باید آمریکا شکست سیاست خودش را در سوریه بپذیرد و این محتمل به نظر نمیرسد. زیرا آمریکا اکنون علاوه بر چندین پایگاه نظامی و اطلاعاتی دو پایگاه هوایی بزرگ در کردستان سوریه دارد و اهداف درازمدت تری از آن دنبال میکند. بنابراین ترکیه ناچار است به این حد از پیشروی در خاک سوریه رضایت بدهد. زیرا هم دامنه حکومت اقلیم کردستان سوریه را محدود کرده است و دسترسی آن به دریای آزاد را فعلا غیر ممکن کرده است هم از این طریق احتمال عملی شدن استراتژی آمریکا را به تعویق انداخته است. علاوه بر اینها، نیرویی از جریانات اسلامی تروریست در منطقه جرابلس و عفرین الباب و.... در خاک سوریه مستقر کرده است که میتواند پایگاهی برای همه جریانات اسلامی تروریست سوریه باشد. ترکیه با اتکا به این جریانات میتواند از این منطقه حملات خود به مناطق دیگر تحت حاکمیت ی.پ.گ را با هدف تضعیف آن سازمان بدهد. با این تحولات سهم خواهی ترکیه از بحران سوریه و دیگر قدرتهای منطقه ای و جهانی ادامه پیدا میکند. در حالیکه ترکیه بدون توافق با روسیه و بدون سکوت رضایت آمیز آمریکا و جمهوری اسلامی و دولت اسد همین درجه از پیشروی را هم نمیتوانست در خاک سوریه داشته باشد. به این خاطر باید از این به بعد شاهد تحولاتی در صفبندی نیروهای درگیر در منطقه باشیم. این تحولات میتواند ائتلافها و افتراق های تازه ای را باعث بشود.

**خلیل کیوان:** به ائتلاف های تازه و تغییر صفبندی های سیاسی و نظامی در سوریه و به توافقات تازه و به زد و بندهای دول و نیروهای درگیر در سوریه اشاره کردید. این صفبندی های تازه به چه صورت خواهد بود؟

**محمد آسنگران:** اینکه صف بندیهای تازه چگونه خواهد بود بستگی به فاکتورهای زیادی در منطقه و جهان دارد. از هم اکنون سخت است بشود دقیق پیش بینی کرد. اما آنچه معلوم است این است که آمریکا تلاش میکند پ.ی.د و شاخه نظامیش ی.پ.گ را در کردستان سوریه از دولت سوریه و جمهوری اسلامی و روسیه دور کند و کاملا تحت کنترل خود بگیرد. اگرچه این پوست اندازی و جابجایی برای ی.پ.گ سخت خواهد بود و باعث ریزش نیروی ها آنها میشود، اما محتملترین شق این است که ی.پ.گ تماما زیر نفوذ و فرماندهی آمریکا قرار بگیرد و آمریکا آنها را وادار کند که از پ.ک.ک فاصله بگیرند. زیرا هدف و استراتژی آمریکا این است که در قدم اول مانع این بشود که ترکیه تماما به جبهه روسیه بپیوندد. دور کردن ی.پ.گ از پ.ک.ک به این سیاست آمریکا کمک میکند. قدم بعدی سیاست آمریکا، تلاش برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از سوریه و عراق است و شکل دادن به دولتی نزدیک به آمریکا در بغداد و دمشق آرزویی است که بورژوازی آمریکا در سر دارد و برای آن تلاش میکند. این امر اما ممکن نمیشود مگر اینکه جمهوری اسلامی سرنگون گردد.

با این حال و بعد از اشغال عفرین بوسیله ارتش ترکیه نمود آشکار سیاست آمریکا همچنان در پرده ای از ابهام باقی خواهد ماند تا نتیجه انتخابات عراق و تشکیل دولت جدید بغداد روشن شود. آمریکا تلاش میکند تعادل قوا در حاکمیت عراق را به نفع خود و ضرر جمهوری اسلامی تغییر بدهد. ولی در پس چنین سیاستی آمریکا میخواهد نیروهای مسلح کردستان سوریه و عراق را به هم نزدیک کند. یک دلیل سکوت آمریکا در مقابل حمله ترکیه این بود که ی.پ.گ چنان تحت فشار قرار بگیرد که ناچارا همه اوامر و سیاستهای آمریکا را بپذیرد یعنی از پ.ک.ک فاصله بگیرد و به حزب بارزانی در کردستان عراق نزدیک بشود. اگر این اتفاق بیفتد به این معنا خواهد بود که پ.ک.ک باید تماما از جبهه جمهوری اسلامی و اسد فاصله بگیرد و تابعی از سیاستهای آمریکا در مورد ی.پ.گ بشود.

**خلیل کیوان:** نقش جمهوری اسلامی و رژیم اسد در این معامله چه بوده است؟

**محمد آسنگران:** همان زمان که ی.پ.گ در عفرین وارد معامله و بده بستان با اسد شد و میخواست دولت اسد از مرزهایش در مقابل ترکیه دفاع کند ما اعلام کردیم که اسد و جمهوری اسلامی با اعزام چند واحد بیشتر اطلاعاتی و کمتر نظامی به عفرین، قصد دفاع از عفرین را ندارند. اتفاقا همان زمان گفتیم که این نیروی تحت فرمان اسد عمدتا نیروهایی از حزب الله و حشد شعبی و سپاه پاسداران بوده اند و کارشان عمدتا اطلاعاتی است نه مقابله با ارتش ترکیه. نتیجه مذاکره و توافق ی.پ.گ با دولت اسد آشکارا نشان داد که جمهوری اسلامی و دولت دمشق معاملاتشان با ترکیه از قبل صورت گرفته است. نشست قزاقستان با شرکت ترکیه، روسیه و جمهوری اسلامی و متعاقبا توافقات دولتهای ترکیه جمهوری اسلامی و عراق برای مقابله با نتیجه رفراندوم کردستان عراق همگی نشان از یک طرح وسیعتری داشت که مانع شکلگیری دولتهای محلی در کردستان سوریه و عراق بشوند و از این طریق عملی شدن استراتژی آمریکا در کردستان سوریه را با مانع مواجه کردند. معامله روسیه و سوریه با ترکیه برای تصرف عفرین یکی از این اقدامات بود. یکی دیگر از نتایج این معامله منطقه ای شکست رفراندوم کردستان عراق بود. اما با این حال آمریکا همچنان استراتژی خودش را در شمال عراق و سوریه با سیاست محتاطانه تری پی خواهد گرفت.

**خلیل کیوان:** بجز نیروهای مترقی و تا حدی افکار عمومی بین المللی هیچ دولتی به حمایت از کردها نپیوست. آمریکا در کوبانی از نیروهای ی پ گ در مقابل داعش حمایت کرد. چرا در مورد عفرین همان سیاست را در دستور نداشت؟

**محمد آسنگران:** فکر میکنم در پاسخ سوالات فوق تا حدی به این مسئله اشاره کردم. اما بطور خلاصه بگویم که آمریکا از یک طرف با موانع زیادی در منطقه و در خود هیئت حاکمه آمریکا مواجه است و قدرقدرتی سابق را هم ندارد. از طرف دیگر نمیخواهد ترکیه بیش از این به روسیه نزدیک بشود. در عین حال نگران شکل گیری دولت آینده بغداد است که قرار است بزودی انتخابات شود و هیئت حاکمه جدیدی شکل بگیرد. این فاکتورها بویژه نقش پررنگ جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و مقابله آن با سیاستهای آمریکا همگی موانعی برای پیشرفت سیاستهای آمریکا محسوب میشوند. در دل چنین شرایطی و با چنین موانعی آمریکا ناچارا به پیشروی ترکیه و اشغال عفرین رضایت داد.

**خلیل کیوان:** بار اول نیست که ناسیونالیسم کرد قربانی زد و بندهای منطقه ای و بین المللی شده است. چرا ناسیونالیسم کرد هر بار قربانی این زد و بندها می شود و چرا همین رویکرد را ادامه می دهند؟

**محمد آسنگران:** این یک سنت شناخته شده و جا افتاده در میان جنبش ناسیونالیستی کرد و احزاب این جنبش است. همه احزاب جنبش ناسیونالیستی کرد از جمله پ.ک.ک و پ.ی.د هم، علیرغم هر تفاوتی که با بقیه احزاب این جنبش داشته باشند از این قاعده پیروی کرده اند و با دولتهای منطقه روابطی آشکار و پنهان داشته اند. خود پ.ک.ک از روز تشکیل شدنش با استفاده از اختلافات مرزی و سیاسی دولت ترکیه و سوریه که سابقه ای تاریخی از دوران جنگ جهانی اول دارد به حافظ اسد اتکا کرد. پ.ک.ک اولین واحدهای نظامیش را در دره بقا سازمان داد و از طریق کمک گرفتن از ارتش سوریه در دهه هشتاد میلادی وارد جنگ با دولت ترکیه شد. در عین حال دولتهای منطقه بر اساس منافعشان چنین احزابی را در دوره های مختلف مورد معامله قرار داده و حتی قربانی کرده اند.

**خلیل کیوان:** بسیاری از نیروها و احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه سیاست سکوت و بی طرفی را اتخاذ کردند. چرا؟

**محمد آسنگران:** همچنانکه گفتم همه این احزاب در دوره های معینی با دولتهایی در منطقه همراه شده اند. طبعا نمیتوانند و یا منافعشان طوری تنظیم شده است که نمیخواهند برخلاف منافع دولتهای حامی سیاست دیگری اتخاذ کنند. به همین دلیل دولتهایی که منافعشان همراهی با دولت ترکیه است طبعا خلاف سیاست اردوغان موضع نمیگیرند. اما این بار احزابی که خود را در قطب جمهوری اسلامی و اسد میدانند هم عکس العمل قابل توجهی نداشتند زیرا جمهوری اسلامی و اسد مخالفت تندی با حمله ارتش ترکیه نداشتند.

**خلیل کیوان:** رویارویی نیروهای مدافع عفرین و مردم این شهر و مناطق دیگر کردستان سوریه با اشغالگران چه اشکالی بخود خواهد گرفت؟

**آسنگران:** به نظر میرسد نیروهای مسلح ی.پ.گ در این منطقه ناچار به عملیات پارتیزانی بشوند. زیرا منطقه عفرین تماما در اشغال ارتش ترکیه و جریانات دست ساز قرار گرفته است. طبعا مردم آواره عفرین ناچار خواهند شد دوباره به محل سکونتشان برگردند و مقاومت مدنی بعد از مدتی آغاز خواهد شد.

**خلیل کیوان:** در شرایط حاضر آیا راه حلی برای حل مساله کرد متصور هست؟ در پی کدام تحولات و تحت چه شرایطی امکان حل مساله کرد ممکن هست؟

**محمد آسنگران:** حل مسئله کرد در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران یکسان نیست. هرکدام از این کشورها شرایط متفاوتی دارند و تعادل قوا بین مردم و دولتهای سرکوبگر منطقه یکی نیست. تا جایی که به مسئله کرد در ترکیه و ایران مربوط است فعلا دولتهای سرکوبگر و بیرحمی با تمام قدرت سرکوبشان علیه مردم ایستاده اند. اما تغییر این تعادل قوا به نفع مردم و آماده شدن شرایط برای حل مسئله کرد ممکن است دیر یا زود اتفاق بیفتند ولی امری حتمی است. در عراق و سوریه اما حل مسئله کرد امروز به حل بحران این دو کشور گره خورده است. بدون حل بحران این دو کشور حل مسئله کرد عملی نیست. حل این مساله در هر چهار کشور اما، بدون برگزاری یک رفراندوم آزاد و تصمیم مردم برای جدایی یا ماندن در چهارچوب کشوری این کشورها و اجرا شدن تصمیم شهروندان غیر ممکن است.

به نظر میرسد علیرغم افت و خیزهای تا کنونی در کردستان سوریه و عراق روند حل مسئله کرد آغاز شده است و در پایان این تحولات و بحران کنونی، مسئله کرد به هر نحوی که ممکن بشود پاسخ خواهد گرفت. طبعا نحوه پاسخ به مسئله کرد در این دو کشور تاثیر مستقیمی بر حل مسئله کرد در ترکیه و ایران هم خواهد داشت. چنانچه در این دو کشور حل مسئله کرد به تشکیل دولتی در این منطقه منجر بشود یا هر شکل دیگری بخود بگیرد گرایش استقلال طلبی و یا اشکال دیگری از حل مسئله کرد در کردستان ایران و ترکیه هم تقویت میشود.